

## معرفی کتاب

با توجه به مطالب فوق و زحمات فراوان استاد آشتیانی و عمری تحقیق در کتابهای فلسفی و عرفانی انتخاب این کتاب به عنوان کتاب سال کاملاً به جا و درست بوده است. اما در عین حال این تصحیح کاستیها و نواقصی نیز دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- چون این کتاب کتاب درسی است، حمل کتاب با این حجم زیاد برای درس مشکل و بلکه غیرممکن است، بهتر بود کتاب در دو مجلد چاپ می‌گردید که یک جلد آن متن شرح فصوص باشد و جلد دیگر تعلیقات و پاورقیها و فهرس آن باشد.

۲- در ص پنجاه و هفت مقدمه آمده است که: «صفحاتی از نسخ یاد شده در پایان این مقدمه گراور شده است» و مقصود آن بوده است که تصویر نسخه‌های خطی مورد استفاده در این تصحیح در کتاب آمده است در حالیکه چنین چیزی وجود ندارد.

۳- کتاب فهرست مطالب ندارد، در حالیکه چنین فهرستی بسیار ضروری و لازم است.

۴- ۲۵ صفحه آخر کتاب فهرست نسخه بدل‌های کتاب است و بهتر بود نسخه بدل مربوط به هر صفحه‌ای ذیل همان صفحه چاپ شود که مراجعه به آن آسان باشد. همچنانکه حواشی و تعلیقات کتاب نیز همین مشکل را دارند که در آخر هر فصل یا فسی حواشی آورده شده است، و بعضی از آنها در پاورقی صفحات آمده است و این حکایت از نوعی بی‌نظمی و ناهماهنگی می‌نماید.

۵- غلط‌های چاپی فراوانی در کتاب یافت می‌شود که لازم بود ناشر محترم از این جهت دقت بیشتری می‌نمودند، البته وجود چند غلط در مورد همزه قطع یا همزه وصل و کم و زیاد شدن نقطه یا حرفی در تصحیح کتابی با این دقت و مشکلی اهمیت چندانی ندارد اما بهر حال بهتر بود رعایت می‌شد تا از هر جهت بدون عیب باشد.

۶- بسیاری از مطالبی که در متن شرح فصوص آمده است مثل روایات یا کلمات عرفای دیگر آدرس داده نشده‌اند و تعداد این موارد بسیار زیاد است و گاهی نیز در متن کتاب و گاهی در پاورقی منبع آنها ذکر شده است و این حکایت از نوعی ناهماهنگی دارد، گرچه همچنانکه ذکر شد اینگونه اشکالات برای تصحیح چنین کتابی عیب حساب نمی‌شود. من ذا الذی ترضی سجایه کلها

کفی المرء نبلا ان تعد معایبه امید است که نشر اینگونه آثار عرفانی باعث ترویج و تزریق روحیه عرفانی در جامعه اسلامیمان گردیده و از بهترین جاذبه دین یعنی عرفان اسلامی بیشتر بهره‌مند شویم.

### پانویسها:

۱- الکنی و الالقاب، ج ۴، ص ۱۶۵.

۲- شرح مقدمه قیصری، سیدجلال‌الدین آشتیانی، ص ۵۵.

۳- یادداشت‌هایی در باب فصوص الحکم، ص ۲۰.

۴- عرفان و فلسفه، ص ۱۰.

۵- فصوص الحکم، فص «حکمه الهیه فی کلمه آدمیه» ص ۵۳.

# رخسار پنهان

● دکتر مهدی دشتی

- رخسار پنهان
- ترجمه کتاب «کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار»
- تألیف: آیه‌الله حاج میرزا حسین نوری (قدس سره)
- مترجم: حجه الاسلام آقای حاج سید علی میرغفاری آذرشهری
- انتشارات آفاق
- چاپ اول: پاییز ۱۳۷۷ / ۲۰۰۰ نسخه
- قطع وزیری / ۴۹۶ صفحه

بود آیا که در میکنه ها بگشایند

گره از کار فرو بسته ما بگشایند  
کتاب «رخسار پنهان» ترجمه کتاب کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار تألیف مرحوم محدث نوری است که در سال ۱۳۱۷ ه. ق. از نگارش آن فراغت یافته است  
سبب تألیف کتاب آن بوده که در متجاوز از صد سال قبل، قصیده ای راثیه در ۲۵ بیت، از شاعری ناشناس به دست علمای نجف اشرف می‌رسد که طی آن شاعر ضمن طرح اختلاف مسلمانان در باب ولادت حضرت بقیه الله الاعظم «عج» از امکان تولد، طول غیبت و طول عمر آن حضرت اظهار تعجب کرده شیعیان را مورد استهزاء قرار می‌دهد.

گروهی از علمای بزرگ آن روز به دفاع از حریم حضرت ولی عصر «عج» پرداخته، ردیه‌هایی به نظم و نثر بر این قصیده که به قصیده بغدادیه، شهرت یافت، تنظیم کردند.

در این میان مرحوم آیه‌الله حاج میرزا حسین نوری - ره - نیز بنا به تقاضای آیه‌الله محمدحسین کاشف الغطاء، دامن همت به کمر زده کتاب کشف الاستار را در رد قصیده بغدادیه تألیف می‌نماید که در سال ۱۳۱۸ ه. در تبریز به چاپ رسید.

مطالب کتاب مذکور توسط مرحوم کاشف الغطاء به نظم در آمد و به پیوست آن کتاب، چاپ و منتشر شد. اخیراً نیز این کتاب همراه با قصائد حضرات آیات کاشف الغطاء، شیخ محمدجواد بلاغی و سیدمحسن امین با مقدمه ای ارزشمند از محقق معاصر حاج سید علی میلانی در تهران و بیروت انتشار یافته است. همچنین شیخ احمد بغدادی (م: ۱۳۲۹ ه.) این کتاب را تلخیص نموده، آن را در ضمن کتاب کنزالادیب آورده است. این کتاب چندین بار به فارسی ترجمه شده که جدیدترین آن به قلم حجه الاسلام آقای حاج سید علی میرغفاری آذرشهری

است که این مقاله در مقام نقد و معرفی این ترجمه می‌باشد.

### اصل کتاب در یک نگاه

اصل کتاب شامل یک مقدمه، دو فصل و یک خاتمه است. مقدمه کتاب در ذکر قصیده بغدادیه است که با این بیت آغاز می‌شود:

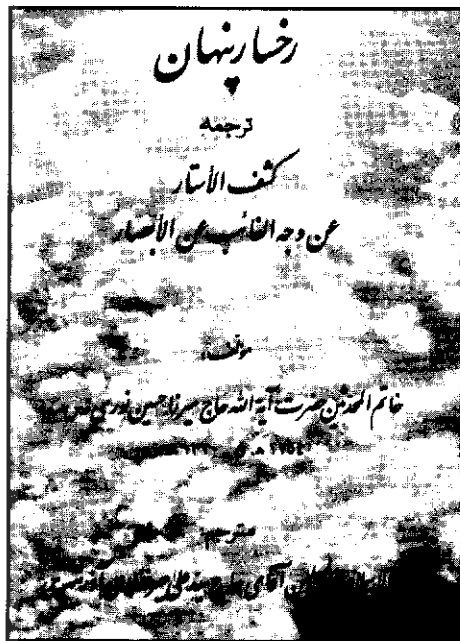
ایا علماء العصر یامن لهم خبر  
بکل دقیق حار من دونه الفکر

در فصل اول، مرحوم محدث نوری ابتداء این نکته را مطرح می‌سازد که همه علمای امامیه (شیعه اثنا عشریه) بر این مطلب اجماع دارند که مهدی موعود کسی جز حضرت حجه بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب - علیهم السلام - نمی‌باشد که در سال ۲۵۵ ه. به دنیا آمده و از سال ۲۶۰ ه. غیبت صغری و از سال ۳۲۹ ه. غیبت کبری خویش را به امرالهی آغاز نموده‌اند و این غیبت امامه خواهد داشت تا هر زمان که خلدوند اذن ظهور بدان

حضرت (ع) دهد تا خروج کرده بساط ظلم را برچیند و پرچم عدل و اسلام را بر بساط زمین به اهتزاز درآورد.

سپس مرحوم محدث، اعتراف بیش از چهل تن از علمای برجسته اهل سنت را که به ولادت مهدی موعود تصریح کرده و گفته‌اند که او از سلاله پیامبر (ص) همانم وی و فرزند امام حسن عسکری (ع) است، به طور مبسوط درج و نقل می‌نماید.

در همین فصل مرحوم محدث، حدیث معروف و متواتری که شیعه و سنی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند مبنی بر آنکه خلفای پیامبر (ص) دوازده تن به عند نقیاء بنی اسرائیل اند را آورده نتیجه می‌گیرد که این دوازده خلیفه پیامبر (ص) کسی جز ائمه شیعه صلوات الله علیهم اجمعین نمی‌باشند و همه توجهات دیگر مثل آنچه که قاضی عیاض گفته، باطل است و مفاسد متعددی به همراه دارد که مبین ناسزایی آن توجیه است. و نتیجه نهایی آنکه چون خلیفه یازدهم یعنی امام حسن عسکری (ع) در



سال ۲۶۰ هـ. از دنیا رفته اند پس لاجرم باید که خلیفه دوازدهم که فرزند امام حسن عسکری (ع) است پیش از آن تاریخ به دنیا آمده و اکنون در پس پرده غیبت باشد.

و اما در فصل دوم، مرحوم محدث نوری به ترتیب به رد یکایک شبهاتی که در ابیات قصیده بغدادیه طرح گشته، می‌پردازد و ضمن پاسخگویی بندها نکات جالبی از جمله ویژگیهای یاران حضرت مهدی (ع) در نزد علمه، علائم ظهور حضرت (ع)، برکات خارق العاده تولد مهدی (ع)، مقامات مهدی (ع) در تورات و زنده شدن اصحاب کهف در تولد مهدی (ع) را هم مطرح می‌سازد.

در بخش پایانی و به اصطلاح خاتمه کتاب، مرحوم محدث تهمت ناروایی که صاحب قصیده بغدادیه در آخرین بیت منظومه خویش به شیعه زده، مبنی بر اینکه شیعه معتقد است که امام زمان (ع) در سردابی واقع در سر من رای «سامراه» غائب شده و از همانجا هم ظهور خواهد کرد، را مورد پاسخ قرار می‌دهد و

## ترجمه آقای میر غفاری هر چند که ترجمه‌ای مفهوم و روان است و ظاهراً در اکثر موارد از شرط صحت برخوردار، لکن سستی‌هایی نیز در آن به چشم می‌خورد

با اسلوبی ویژه و بیانی روشن و استدلالی قوی، نادرستی این ناسزا را آشکار می‌سازد.

### ترجمه کتاب

ترجمه آقای میر غفاری هر چند که ترجمه‌ای مفهوم و روان است و ظاهر در اکثر موارد از شرط صحت برخوردار، لکن سستی‌هایی نیز در آن به چشم می‌خورد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم با این امید که در چاپهای بعدی اصلاح شده صورت کمال پذیرد. البته باید این نکته را تذکار دهیم که اگر این ترجمه از ویرایش کامل و همه جانبه‌ای برخوردار می‌گشت، بی شک امروز شاهد بسیاری از این مشکلات نبودیم و باتوجه به آن که نشر آفاق عهده دار چاپ این ترجمه بوده، جای این سوال و گله باقی می‌ماند که چرا در چاپ این ترجمه، سعی و تامل و سلیقه لازم اعمال نشده به ویژه آن که این کتاب در بردارنده کوششی است قابل ستایش، در دفاع از ساحت اقدس بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء!

### ۱- اغلاط مطبعی

مشکلات را با اغلاط مطبعی آغاز می‌کنیم با این توجه که مسوولیت این اغلاط بیشتر متوجه ناشر است تا مترجم. اغلاط مطبعی فراوان است و جلوه‌هایی گوناگون دارد که مواردی از آن با ذکر صفحه و صورت صحیح کلمه به شرح زیر است:

### الف: اغلاط رسم الخطی

علاقه مندان / ۱۰۲، ۲۱۱، ۱۱۶ علاقه مندان، لغت/ ۴۲ لغه، همینک / ۸۲ هم اینک، قوم اش / ۱۱۰ قومش، فضائل اش / ۱۳۳ فضائلش، اهلیت / ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸ ... اهل بیت، بهدست / ۲۰۵ به دست یابدست، آب شخوری / ۳۶۱ آبشخوری، فعلا / ۳۹۲ افعلی، پیشروی / ۳۱۸ پیش روی.

### ب: اغلاط املائی

عجب / ۱۷ حجب، ذخیره المال / ۴۲ ذخیره المال، الرياض الزاهره / ۴۳ الرياض الزاهره باثنی عشر / ۹۵، ۹۸، ۱۵۸، ۱۶۴ ... اثنا عشر، شونلت / ۱۷۸ شوونلت، حبشی سالک / ۷۸ حبشی سالک، بالجمله / ۸۱ بالجمله، افتراء / ۱۰۱ افتراء فیء / ۱۰۵ فیء، میمنه / ۱۲۰ میمیه، للحنشیر / ۱۲۵ للحنشر، بردار / ۱۳۶ بردار، صلاحیت / ۲۶۳، ۱۴۵، ۲۶۶ ... صلاحیت، لشکر / ۲۰۳، ۲۶۹، ۳۰۹ لشکر، فاتا مضو / ۲۱۲ فاتا مضو، والا / ۲۲۵ والا، الحمنالله / ۳۳۷ الحمنله، برحماى / ۲۴۵ برهه ای وحله / ۳۰۵ وهله، اناهمکم / ۱۲۰۷ اناهمکم، نمی داند / ۳۳۱ نمی راند، دما حرابا / ۳۰۸ دماحراما، tatar / ۳۳۸ tatar، که مهک / ۳۵۰ گرمحک، تمکین / ۳۳۷ تمکن، بطیء / ۲۵۳ بطیء، طبقات النجاه / ۳۳۴ طبقات النجاه، نائله / ۳۷۸ فائله، رضوا / ۳۸۰ رضوی، ام / ۳۸۰ لوه، دوشعاب / ۳۸۱ دوشعاب، العنا / ۳۹۲ العنا، الفءه امیرالمومنان / ۳۳۹ امیرمومنان، عسکری / ۳۷۰ عسکری.

### ج: اغلاط اعرابی

مرفاه / ۳۵ مرفاه، بضعه / ۳۵ بضعه، مرساه / ۳۵ مرساه، فاه / ۳۵ فاهو، من کذب / ۷۸ من کذب، الخلافه / ۹۰ الخلافه، نعم الوکیل / ۱۰۱ نعم الوکیل، عترته الطاهره / ۱۰۱ عترته الطاهره، مقفر / ۱۰۵ مقفر، صفرات / ۱۰۵ صفرات، نکر / ۱۴۶ نکر، تقررا / ۱۴۶ تقررا، وهنات / ۱۹۳ وهنات، ولایتال / ۲۰۵ لایتال، لم نغش / ۲۰۹ لم نغش، غرق / ۲۳۳ و غرق / ۲۳۴ غرق، کتاب الله / ۲۲۶ کتاب الله، اهل بیته / ۲۲۶ و ۲۳۳ اهل بیته، زخ فی النار / ۲۲۶ زخ به فی النار، تخلفونی / ۲۳۳ تخلفونی، اهل بیته / ۲۳۴ اهل بیته، تعلموا / ۲۳۸ تعلموا، میتی / ۲۴۸ میتی، مقدمته / ۳۱۰ مقدمته، ولایتال / ۳۳۷ لایتال، و هوالمویده النصر / ۳۳۷ و هو المویده النصر، لعبادنا / ۳۳۶ لعبادنا، ولایشرکون / ۳۴۷ لایشرکون، فما خلق امرؤ عبثا فیلهو و لایترک سدی فیلغو / ۳۴۶ فما خلق امرؤ عبثا فیلهو و لایترک سدی فیلغو، سنن / ۳۵۲ سنن، حدیث ص / ۳۵۷ در مقایسه با ص / ۳۴۳، غلط نوشته شده است، الی اثنی عشر / ۳۵۸ الی اثنی عشر، الغیلانا / ۳۹۲ الغیلانا، در ص / ۳۶۴، زیاره جامعه، اغلاط اعرابی فراوانی دارد؛ انه یقفو اثری / ۴۳۴ انه یقفو اثری.

### د: اغلاط مربوط به ضبط اسامی اشخاص و کتابها

احمدبن عبدالقادر عجبلی / ۴۲ احمدبن عبدالقادر جبلی. المرفاه شرح المشکاه / ۹۳ المرفاه فی شرح المشکاه. بنوالمغیره / ۱۸۰ بنوالمغیره. جابرین سمرة / ۲۲۱ جابرین سمرة. حلیه / ۲۳۳ حلیه الاولیاء.

لسان الزمان / ۲۳۶ لسان المیزان، الهیتمی / ۲۴۵ الهیثمی، عکوفه / ۲۴۷ و عکره، کامل سلیمان / ۲۸۶ کامل سلیمان، موسی بن عبدالله / ۳۶۴ موسی بن عمران نخعی، طبقات النجاه / ۳۷۴ طبقات النجاه، علی بن محمد السمری / ۳۹۰ علی بن محمدالسمری. درخور ذکر است که جلدداشت ضبط دقیق اسامی خاص

### سبب تالیف کتاب آن بوده

که در متجاوز از صد سال قبل،

قصیده‌ای رانیه در ۲۵ بیت،

از شاعری ناشناس به دست علمای نجف

اشرف می‌رسد که طی آن شاعر

ضمن طرح اختلاف مسلمانان در باب ولادت

حضرت بقیه‌الله‌الاعظم «عج»، از امکان تولد،

طول غیبت و طول عمر آن حضرت

اظهار تعجب کرده شیعیان را مورد

استهزاء قرار می‌دهد.



گروهی از علمای بزرگ آن روز

به دفاع از حریم

حضرت ولی عصر «عج» پرداخته،

ردیه‌هایی به نظم و نثر

بر این قصیده

که به قصیده بغدادیه،

شهرت یافت، تنظیم کردند.

اشخاص و کتب و امکانه باحرکات مشخص شود که متأسفانه این کار نشده و اگر گاهی هم شده، غلط و اشتباه است؛ مانند:

المغیره / ۱۸۰ المغیره  
 حلیه / ۲۳۳ حلیه  
 السمری / ۲۹۰ السمری  
 ه. : جا افتادگی‌ها و آشفتگی‌ها  
 جا افتادگیها بسیار است، تیمنا و تبرکا دو نمونه ذکر می‌شود:

- ۱- ص ۳۳۱ سطر ۱۸: کلمه «بلون» جاف‌تاده است: «و [بلون] حضور خدمتگزاری که برای او خدمت نماید.»
- ۲- ص ۲۷۰ سطر ۱۱: ولو عطفی جاف‌تاده است: «دولت جهانی آن حضرت، آخرین دولت روزگار [ و ] از نشانه‌های وقوع قیامت است.»  
 و اما برخی آشفتگی‌ها:  
 ۱- بر علیه / ۱۹۵ و ... علیه .  
 ۲- به عینه / ۱۹۷ و ... بعینه .
- ۳- سید حضرت الشهداء / ۲۴۶ حضرت سید الشهداء
- ۴- عبارت «بهائی چه می‌گوید» در ص ۲۳۴، تکرار شده است.
- ۵- ناماهنگی میان شماره پانوشتها و توضیحات مربوط بدانها / ۳۰۲

**۲- مقدمه مترجم**

مرحوم محدث نوری این کتاب را در نجف اشرف و در وقت سلطه عثمانیها نوشته است لذا مجبور بوده که از سر تقیه، در اثنای کتاب، گاه به مدح و تمجید از سلطان عثمانی مبادرت نماید. لذا بایسته می‌نمود که مترجم محترم این نکته را در مقدمه ترجمه خویش، یادآور شود تا خواننده به هنگام برخورد با این مدح و تمجیدها از هرگونه سردرگمی و احيانا سوءتفاهم در امان بماند.

**۳- عبارات نامفهوم و نادرست**

در ترجمه متن و گاه پانوشتها، عبارات و جملاتی نامفهوم و بعضاً از حیث دستوری نادرست به نظر رسید که انشاءالله دسته گل مطبوعه است، برای نمونه موارد زیر را بنگرید:

و این به دلیل توام ملازمتی انبیاء علیهم السلام در ساحت حضور (مقام فنا و شهود) «حضرت» احادیث دارند. / ص ۱۰۹ سطر ۱ و ۲.

- پس هر که ابا می‌کند می‌کشد او را. / ص ۱۱۴ سطر ۱۸.
- و در برابر سد راه و مانع و طریق حق دین اسلام بوذنت را به کیفر برسانم. / ص ۲۰۳، دو سطر آخر.
- غیبت کبرای آن حضرت که از نیمه شعبان ۳۳۹ ه. آغاز و پیوند سفرا و نواب خاصه بین شیعه و آن حضرت گسسته گردید حکمتی است از حکمت‌های الهی و... / ص ۲۵۹، پانوشت ۱، دو سطر اول.

- چون دجال کتاب آن حضرت را می‌بیند همانند نمکی که در آب مذاب می‌گردد توب می‌شود! / ص ۲۶۲ سطر ۱۶ و ۱۷.
- وقتی او را مشاهده کردید از وی بیعت کنید!
- ص ۲۹۱ سطر ۹.
- و البته نسبت این نشانه اندک با آن علائم بسیار همانند نسبت یک بردهگان است! / ص ۳۳۳ سطر ۹.
- باید گفت این سخن (ناتمام) مطرود و مردود و قابل نقض

**مرحوم محدث نوری این کتاب را در نجف اشرف**

**و در وقت سلطه عثمانیها نوشته است لذا مجبور بوده که از سر تقیه،**

**در اثنای کتاب، گاه به مدح و تمجید از سلطان عثمانی مبادرت**

**نماید. لذا بایسته می‌نمود که مترجم محترم این نکته را**

**در مقدمه ترجمه خویش، یادآور شود تا خواننده به هنگام**

**برخورد با این مدح و تمجیدها از هر گونه سردرگمی و احيانا**

**سوءتفاهم در امان بماند.**

است باواقعیات مال امور گروه (شیادی) که به دروغ ادعای مهنویت نمودند. / ص ۳۳۳ سطر ۶ و ۷.

- به نوشته مسعودی در «مروج الذهب» می‌نویسد، / ص ۲۰۹ پانوشت ۱ سطر ۷.

**۴- لغزشهای لغوی**

خوشبختانه تعدادشان اندک بود لکن ای کاش همین مقدار هم نبود، نمونه ای ذکر می‌کنیم و می‌گذریم:

«التاصرلدين الله وی همان کسی است که به تعمیر سرداب شریف دستور داد.

کلمه «تعمیر» عربی و مصدر از باب تفعیل است به معنای زیاد عمر کردن که در قرآن کریم نیز مشتقات آن به همین معنا به کار رفته است همچون بس / ۹۸ و بقره / ۹۶. بنابراین بجای این کلمه مناسب آن بود که از کلماتی همچون آبادی، عمران، مرمت و نظائر آن استفاده می‌شد.

**۵- لغزشهای ترجمه‌ای**

متأسفانه اصل عربی کتاب در دسترس نبود تا بتوان داورى صحیحی در این باره داشت لکن ضمن اعتماد به مترجم، درباره‌ای از موارد همچون ترجمه آیات عربی متن که اصل آیات نیز موجود بود بعضی نکات ملاحظه شد که اینک به نمونه‌ای اشاره می‌شود:

و یکنی قوله «هنی» لا شراق محیه  
 و من بضعته الزهراء مجراه و مرساه

مترجم محترم بیت بالا را چنین ترجمه کرده است:

« و در نشان دادن سیمای تابناک مهدی، این گفته پیامبر (ص) که «مهدی از من است.» یعنی جزئی از وجود مقدس او و پاره تن زهرای اطهر است و (در شرف انتساب) گوهر پاک ذاتش بدایتاً از او نشأت گرفته و بدو منتهی می‌گردد، کفایت می‌کند. / ص ۳۶.

ناگفته پیداست که ضمیر بضعته به پیامبر (ص) برمی‌گردد و کلمه «الزهراء» هم از نظر نحوی بدل برای

«بضعه» است. در نتیجه ترجمه این می‌شود که: مهدی (ع) از پاره تن پیامبر (ص) یعنی از حضرت زهراست ... و نه آنکه جزئی از وجود مقدس او و پاره تن زهرای اطهر است

**۶- برخی مسائل مربوط به ترجمه**

در ص ۲۸۵، مترجم محترم سند حدیث را جهت پرهیز از تطویل و اطناب ممل، حذف کرده است. کاش از ابتدای کتاب این کار را می‌کرد و جز در موارد لازم و ضروری، اسناد احادیث و اقوال را به متن عربی کتاب ارجاع می‌داد.

مترجم کوشیده تا ترجمه ای قابل فهم در اختیار خواننده قرار دهد. بدین منظور هر جا که لازم دیده، توضیحاتی برای روشنتر شدن بهتر مطالب، در میان دو کمان آورده است. این کار غالباً مفید و راهگشا بوده لکن مواردی هم ملاحظه شد که این توضیحات بدلیل عدم صحت، اصالت سخن مولف را هم زیر سوال برده و مخنوش ساخته است. از جمله در ص ۲۴۹ در سطور ۲۱ و ۲۲، مترجم مدعی گشته که روایات کثیری از عامه در این باب یعنی تصریح به اسامی ائمه صلوات الله علیهم به عنوان خلفای پس از آن حضرت (ص) موجود است. در حالی که می‌دانیم این سخن بر خطاست و متأسفانه در متون درجه اول حدیثی اهل تسنن از صحاح و سنن و مسانید تا قرن پنجم ه. چنین چیزی وجود ندارد. آنچه هست همان گروه از روایاتی است که می‌گوید تعداد خلفاء پیامبر (ص) دوازده تن است به عدد نقیابینی اسرائیل؛ بدون آنکه تصریحی به نام ایشان داشته باشد. که البته به همین شکل نیز وافی به مقصود است و حقیانیت شیعه اثنا عشریه را اثبات می‌نماید (برای تفصیل بیشتر رک به معالم المدرستین، علامه سیدمرتضی عسکری، ج ۱ ص ۳۳۳ به بعد، ج ۲ و نیز نقش ائمه در احیاء دین، علامه عسکری، ج ۱۱ ص ۷۲ به بعد) البته امکان دارد که نظر مترجم محترم، کتب و آثار آری همچون نوشته‌های گنجی شافعی، سبط ابن جوزی، ابن صباغ مالکی، خموی و قنلوژی و دیگران باشد که اینها یا متاخرند یا از دید مکتب خلفاء، متشیعند و قول و سخنشان در چنین بحث مهمی مورد اعتنا نمی‌باشد.

همچنین در ص ۳۳۱ سطر ۹ که تعلیم حکمت به عنوان چهارمین هدف از بعثت انبیاء توسط مولف ذکر شده مترجم در داخل دو کمان این نکته را اضافه کرده است که (و فلسفه الاشیاء و خواص موجودات هستی) که کاملاً بی ربط و غلط است.

**۷- آشفتگی های صوری متن**

- آیات عربی گاه شماره دارد و ترجمه آنها نیز مطابق همان شماره، به ترتیب می‌آید و گاه این چنین نیست. برای نمونه بنگرید به صفحات ۱۰۶، ۱۲۱ و ۱۲۲.

- آیات عربی، گاه اعراب دارد مانند ص ۱۲۲ و گاه بی اعراب است مانند ص ۱۲۳.

- در ص ۴۰، «بحث از کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان نوشته محمد بن یوسف گنجی شافعی است که ناگهان سخن از کتاب «الکفایه» به میان می‌آید.

- در ص ۲۳۹ صحبت از «عیبه» و «کرش» در خبر سابق! شد که هر چه جستجو شد خبری با این مفاد یافت نشد.

- کتاب عاری از هر گونه فهرست فنی است و حتی در نسخه ای که در اختیار این بنده بود، فهرست موضوعی نیز

**مترجم کوشیده تا ترجمه‌ای قابل فهم در اختیار خواننده قرار دهد بدین منظور هر جا که لازم دیده، توضیحاتی برای روش‌تر شدن بهتر مطالب، در میان دو کمان آورده است. این کار غالباً مفید و راهگشا بوده لکن مواردی هم ملاحظه شد که این توضیحات بدلیل عدم صحت، اصالت سخن مؤلف راهم زیر سؤال برده و مخدوش ساخته است**

تمام بود.

- کتاب فاقد عنوان بندی، تبویب و فصل بندی‌های روشن‌گر و هدایتگر است و مطالب پیوسته و نفس گیر ردیف شده است.

- نقطه گذاری وضعی آشفته و نابسامان دارد.

- بخش کتابشناسی نیز از قلم افتاده است.

**۸- پانوشته‌ها**

گاه مترجم علاوه بر ترجمه متن، پانوشته‌های خوب و بجائی هم اضافه کرده که به تبیین بهتر مطالب کمک می‌کند مانند:

۱- ص ۱۴ پانوشته ۱.

۲- ص ۱۸ پانوشته ۲.

۳- ص ۲۷ پانوشته ۱ و ۲.

۴- ص ۲۳۳ پانوشته ۲.

اما گاه پانوشته‌های زائد و بی جایی هم آورده که هیچ باری را بر نمی‌دارد و بیشتر به اظهار لطمه‌ای می‌ماند مانند ص ۱۷ پانوشته ۱.

و در این میان بسیاری از مطالب در متن آمده که نیاز به توضیح در پانوشته دارد و متأسفانه از آنها غفلت شده است مانند:

نواب خاص / ۳۲، غیبت صغری یکسال است؟! ۱۱۸، خیر واحد/ ۲۲۱، مسند/ ۲۵۹، حدیث مرفوع / ۲۹۶، محمد بن عبدالله بن حسن / ۲۳۳، حدیث الباطل یموت بترک اسمه / ۲۳۸ که اصلاً حدیث نیست و تنها قولی است مشهور، حدیث «لولاک لما خلقت الافلاک» که گر چه در بحارالانوار آمده (ج ۱۵ ص ۲۸، ج ۱۶ ص ۴۰۶ و ج ۵۷ ص ۱۹۹) لکن از نظر متن و سند قابل اطمینان نیست و از اسرائیلیات

می‌باشد و در نزد محققان بزرگوار و محدثانی ارجمند همچون استادعلی اکبر غفاری، بدلیل آنکه سند ندارد و از نظر متن هم غلط است، مردود می‌باشد.

همچنین استشهادهای که مرحوم محدث نوری به قصیده منسوب به مولوی یا کتاب عطار یا شعر شمس تبریزی کرده، همه قابل مناقشه است و جا داشت که مترجم محترم بدین نکات، عطف توجهی در پانوشته‌ها یا لااقل مقدمه نشان می‌داد چرا که در دیوان کلیات شمس که بامقدمه فروزانفر به چاپ رسیده، چنین قصیده‌ای وجود ندارد یا در کتاب شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار، فروزانفر جزو آثار مسلم عطار کتابی به نام مظهرالصفات را ذکر نمی‌کند. (ص ۷۶). در تذکرها هم گرچه مطالبشان قابل اعتماد نیست و فی المثل آثار عطار را به صد و چهارده جلد رسانده اند لکن باز در میان آن آثار، کتابی به نام مظهرالصفات به چشم نمی‌خورد. (بعنوان نمونه رک به تذکره ریاض العارفین، رضاعلی خان هدایت، ص ۱۷۲). در مورد شمس هم محققان نوشته اند که هیچگونه شعری از وی بدست ما نرسیده است - (برای تفصیل بیشتر رک به مولانا جلال الدین، عبدالباقی گولپینارلی، ترجمه دکتر توفیق سبحانی، ص ۱۸۴، ۱۸۵).

از اینها گذشته ضرورت داشت و بایسته بود که مترجم محترم در پانوشته، مطالبی را که مرحوم محدث نوری از قول افراد و کتب مختلف آورده است، با ذکر جلد و صفحه و چاپ کتاب مربوطه، دقیقاً مستند سازد. متأسفانه نه تنها این کار نشد، بلکه حتی گاه مترجم مآخذ دقیق احادیث یا مطالبی را هم که خود در پانوشته‌ها آورده ذکر نکرده است. مانند پانوشته بلند ص ۲۳۳ تا ۲۳۷.

ابیات فارسی مندرج در بعضی پانوشته‌ها هم، گاه به اشتباه نوشته شده که لابد غلط مطبعی است، مانند ص ۳۸۶ و ۳۵۰.

در پانوشته یکم از ص ۲۴۳ به مناسبت، بخشی از خطبه اول نهج البلاغه آورده شده است که حاوی این جمله است: « و من جهله فقد اشار الیه » این جمله در تمامی نهج البلاغه‌های چاپی و شروح آن به چشم می‌خورد لکن گفتنی است که این جمله در اقدم نسخ نهج البلاغه که چند سال پیش صورت عکسی آن از طرف کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسید و اصل نسخه نیز در مخزن همان کتابخانه موجود است، وجود ندارد. تاریخ این نسخه خطی سال ۴۶۷ هـ. است که ظاهراً در ۴۹۹ هـ. نیز مقابله شده است. همچنین در همه نسخ خطی شروح نهج البلاغه نیز این جمله به چشم نمی‌خورد. و معلوم نیست از کجا و چگونه، این جمله به متن چاپی نهج البلاغه و شروح آن راه پیدا کرده است؟ از این گذشته معنای جمله نیز غلط است. چرا که چگونه می‌شود به چیزی که مجهول است، اشاره حسی یا عقلی داشت؟!.

**۹- دو کلمه هم با مولف**

الف - مرحوم محدث نوری، ظاهراً فراگیری ظلم و ستم را در حکم علائم و نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) دانسته و از این روی صفحات بسیاری را به پاسخگویی شبهه صاحب قصیده بغنادیه اختصاص داده که گفته است چرا با وجود وقوع این علامت «فراگیری ظلم و ستم» امام زمان (ع) ظهور نکرده است. (ص ۲۵۳)

در حالی که اولاً فراگیری ظلم و ستم به معنای آن است که ظلم بر عدل غلبه داشته باشد و نه آنکه اصلاحی از عدل وجود نداشته باشد، چرا که در این صورت معنای انتظار و دعا بر تعجیل فرج و خودسازی جهت باری آن حضرت (ع) بی معنا می‌شود. ثانیاً فراگیری ظلم و ستم نه از علائم ظهور است و نه در حکم آن، و در هیچیک از روایاتی که بحث علائم ظهور در آنها شده، فراگیری ظلم و ستم باین معنا مطرح نشده است بلکه در همه جا چنین آمده که امام زمان (ع) وقتی که بیاید جهان را همانگونه که از ظلم پر شده (یعنی غلبه با ظلم است و عدل مغلوب) از عدل پر می‌سازد (یعنی دیگر غلبه با عدل می‌گردد و ظلم در اقلیت و مغلوبیت واقع می‌شود). یا در روایاتی که گفته شده که امام زمان (ع) بعد از آنکه ظلم و جور همه جا را گرفت می‌آید و جهان را از عدل آکنه می‌سازد یعنی آنکه حضرت (ع) پس از روزگاران درازی که همواره غلبه با ظلم بوده و عدل مغلوب می‌آید و این سنت سیئه را در هم می‌شکنند و عدل را غلبه و چیرگی داده ظلم را مغلوب و مقهور می‌سازد. در این دوران ظلم باز وجود خواهد داشت منتها در اقلیت است و دیگر بر مسند غلبه و قدرت نیست.

ب- این علائم ظهور هیچکدام جنبه حتمی و قطعی ندارد. تنها شرط ظهور، خواست مردم است، مردمی که امام زمان (ع) را از سر صدق و اخلاص و معرفت باور داشته باشند معرفتی برگرفته از کتاب خدا و سنت پیامبر و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، و با همه وجود حاضر به یاریش باشند و در این راه از هیچ نامالایمی نهراسند. اگر چنین شود ولو سیصد و سیزده تن نیز باشند یقین وعده الهی تحقق خواهد پذیرفت و خوف حضرت (ع) زائل گشته، از پس برده غیبت بیرون خواهند آمد و پرچم حق و عدالت را بر بسط زمین باهتر از در خواهند آورد لکن تا زمانی که این نشود یعنی مردم از سر صدق و اخلاص و معرفت، خواستار آن حضرت نشوند و او را بر جان و مال و همه چیز خویش مقدم ندارند نخواهد آمد همچنانکه تاکنون نیامده است. (برای تفصیل بیشتر رک به کتاب اصول کافی، کتاب الحججه، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۴۳-ج دوم دارالکتب الاسلامیه، و جزیره خضراء، سیدجعفر مرتضی‌عاملی، ترجمه محمد سپهری، ص ۴۱-۵۸، ج ۱، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱ ش).

**۱۰- سخن آخر**

بی‌شک کتاب کشف‌الاستار در زمان خود پاسخی نیکو و شایسته به دشمنان حق و راستی و مشعلی‌فروزان جهت راهبری طالبان حقیقت بوده است. لکن امروز پس از گذشت بیش از صد سال از آن زمان باتوجه به پیدایی آثار بسیار ارزشمند و محققانه‌ای که بدست علمای برجسته تشیع در ایران و خارج از آن نوشته شده است و غالباً هم به زبان عربی می‌باشد، جای آن دارد که عزیزان فاضل و ناشران متعدد در ترجمه این آثار و عرضه هر چه منقح‌تر آن به جامعه، کوشش نمایند تا هر چه زودتر شاهد طلوع آن صبح صلاح باشیم. ان شاءالله والحمدلله.

